



یک نقاشی مدرن در موزه لندن

درس پنجم باورها و ارزش‌های بنیادین فرهنگ غرب

چرا استفاده از تمثیل، در علوم اجتماعی رایج است؟

حتماً در درس ادبیات فارسی با تمثیل و اهمیت آن آشنا شده‌اید. استفاده از تمثیل در علوم اجتماعی نیز رایج است از جمله برای شناسایی و معرفی پیچیدگی‌ها و ظرافت‌های زندگی فرهنگی و اجتماعی انسان، آنها را به چیزهای آشناتری تشبیه می‌کنند. در درس اول از عقاید و ارزش‌های بنیادین فرهنگ در حکم شالوده و روح فرهنگ یاد شد؛ یعنی اگر فرهنگ را به انسان تشبیه کنیم، عقاید و ارزش‌ها همانند روح و هنجارها و نمادها مانند جسم آن هستند. اگر فرهنگ را به ساختمان تشبیه کنیم، عقاید و ارزش‌ها پی و شالوده آن‌اند و کل ساختمان به آن تکیه دارد. اگر فرهنگ را به درخت تشبیه کنیم، عقاید و ارزش‌های بنیادین مانند ریشه‌های آن هستند.

عقاید و ارزش‌های بنیادین هر فرهنگ در پاسخ به کدام پرسش‌های اساسی انسان پدید می‌آیند؟

عمیق‌ترین لایه‌های هر فرهنگ کدامند؟
عقاید و ارزش‌های بنیادین هر فرهنگ، عمیق‌ترین لایه‌های آن را تشکیل می‌دهند. عقاید و ارزش‌های بنیادین هر فرهنگ در پاسخ به پرسش‌های اساسی انسان پدید می‌آیند؛ یعنی همان پرسش‌های هستی‌شناسانه، انسان‌شناسانه و معرفت‌شناسانه.

فرهنگ غرب یعنی چه؟

در پنج قرن اخیر اروپا، کانون شکل‌گیری فرهنگ جدیدی بوده است که آن را با نام فرهنگ غرب می‌شناسیم. هنجارها، رفتارها و نمادهای مختلف غربی ریشه در باورها و ارزش‌های بنیادین این فرهنگ دارند. باورها و ارزش‌های بنیادین فرهنگ غرب کدام‌اند؟ غرب جدید به پرسش‌های اساسی بشر چه پاسخ‌هایی داده است؟

سکولاریسم و رویکرد دنیوی

پاسخ فرهنگ معاصر غرب به پرسش های هستی شناسانه چیست؟

سکولاریسم، پاسخ فرهنگ معاصر غرب به پرسش های هستی شناسانه بشر است. به عبارت دیگر سکولاریسم، جهان بینی فرهنگ غرب یا تصور آن از جهان هستی است. درباره سکولاریسم چه می دانید؟

سکولاریسم یعنی چه؟

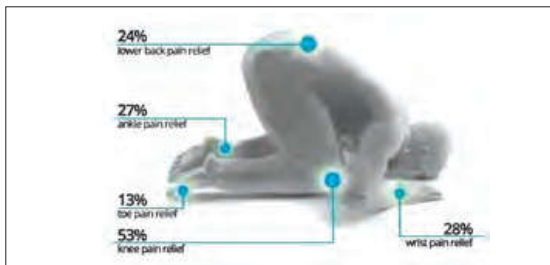
سکولاریسم به معنای رویکرد دنیوی و صرفاً این جهانی به هستی است. در این رویکرد، همه ظرفیت های انسان، متوجه آرمان ها و اهداف دنیوی و این جهانی می شود. بدین ترتیب، ابعاد معنوی انسان و جهان به فراموشی سپرده می شود یا به صورت گزینشی در خدمت اهداف نیازهای دنیوی قرار می گیرد. بر همین اساس می توان باور سکولار در فرهنگ غرب را به دو دسته «آشکار» و «پنهان» تقسیم کرد. منظور از سکولاریسم آشکار چیست؟

سکولاریسم آشکار: باورها و فلسفه هایی را شامل می شود که آشکارا، ابعاد غیرمادی جهان

هستی را انکار می کنند. سکولاریسم پنهان را توضیح دهید

سکولاریسم پنهان: شامل باورها و فلسفه هایی است که ابعاد معنوی هستی را نفی نمی کنند؛ بلکه بخش هایی از باورهای معنوی و دینی را در خدمت اهداف دنیوی و این جهانی قرار می دهند و از توجه یا عمل به بخش های دیگر سر باز می زنند. رویکرد گزینشی جهان غرب به ابعاد معنوی و دینی جهان، سبب پیدایش و رشد برخی نهضت های جدید دینی شده است که از آن با عنوان

«پروتستانتیسم» یاد می شود. رویکرد گزینشی غرب به ابعاد معنوی و دینی جهان، سبب پیدایش چه نهضت هایی شده است؟



■ توجیه هنجارها و رفتارهای دینی با تفاسیر دنیوی؛ مطابقت دادن حرکات نماز با حرکات ورزشی و بیان مفید بودن آن برای سلامت بدن

■ دیدار سران کشورهای اروپایی با پاپ

در فرهنگ معنوی و دینی، آبادی دنیا به عنوان هدف در نظر گرفته می شود یا به عنوان وسیله؟

در فرهنگ معنوی و دینی، آبادی دنیا هدف مستقلی نیست بلکه خود وسیله ای است که در خدمت اهداف معنوی قرار می گیرد. اگر افرادی که درون فرهنگ دینی زندگی می کنند، دنیا را هدف برتر خود قرار داده باشند، از آشکار کردن آن پرهیز می کنند و رفتار دنیوی خود را توجیه دینی می کنند اما در جهان غرب، سکولاریسم به صورت جهان بینی غالب درآمده است؛ به گونه ای که دین داران، ناگزیر هنجارها و رفتارهای دینی خود را توجیه دنیوی و این جهانی می کنند.

چرا در جهان غرب، دین داران ناگزیرند هنجارها و رفتارهای دینی خود را توجیه دنیوی و این جهانی کنند؟

– پیش از این، رفتار دنیاگرایانی که در جهان معنوی و دینی زندگی می‌کنند و دین‌دارانی که در جهان سکولار زندگی می‌کنند با هم مقایسه شده‌است. با تأمل در این مقایسه، دربارهٔ نقش فرهنگ غالب در جهت‌گیری افراد گفت‌وگو کنید.

– آیا عقاید و رفتارهای دینی، آثار دنیوی ندارند و آیا بیان آثار دنیوی آنها اشکالی دارد؟ در چه صورت پرداختن به آثار دنیوی عقاید و رفتارهای دینی مشکل‌ساز می‌شود؟

اومانیسم و اصالت انسان دنیوی humanism = انسان سالاری



یکی از اساسی‌ترین پرسش‌های بشری، پرسش از چیستی و کیستی خود انسان است. نگاه فرهنگ غرب به انسان چگونه است؟ این نگاه چه تأثیری در هنر، ادبیات و حقوق انسان‌ها داشته است؟

+

مهم‌ترین ویژگی انسان شناختی فرهنگ معاصر غرب چیست و به چه معناست؟

اومانیسم، مهم‌ترین ویژگی انسان شناختی فرهنگ معاصر غرب است و به معنای اصالت انسان دنیوی و این جهانی است.

اومانیسم از نتایج منطقی سکولاریسم است.^۱ اگر در کانون هستی یک وجود مقدس و متعالی باشد، هیچ موجودی در مقابل آن نمی‌تواند اصالت داشته باشد و همهٔ موجودات از جمله انسان، آیات و نشانه‌های او خواهند بود. **جایگاه انسان در فرهنگ اسلامی چیست؟**

در فرهنگ اسلامی، انسان برترین آیت و نشانهٔ خداوند سبحان و خلیفهٔ او در زمین است و به همین دلیل بر موجودات دیگر برتری دارد. **بر اساس آیات قرآن کریم، کرامت و خلافت انسان چه زمانی تحقق پیدا می‌کند؟** **بر اساس آیات قرآن کریم، انسان هنگامی به کرامت و خلافت دست می‌یابد که به ابعاد دنیوی و این جهانی خود محدود نشود و هر چه می‌تواند به خداوند نزدیک‌تر شود. اگر انسان به ابعاد دنیوی خود محدود بماند، گمراه می‌شود و حیاتی حیوانی یا پست‌تر از آن خواهد داشت.**

۱- انسان بخشی از جهان هستی است. از این رو انسان‌شناسی هر فرهنگی متناسب با هستی‌شناسی آن فرهنگ است.

نگاه فرهنگ غیر توحیدی، نسبت به انسان چگونه است؟

در فرهنگی که نگاه توحیدی ندارد، انسان موجودی صرفاً این جهانی است که مستقل از خدا، اجازه هرگونه تصرفی را در دیگر موجودات دارد. اومانیزم در کدام ابعاد فرهنگ غرب، بروز یافته است؟ اومانیزم در بخش‌های مختلف فرهنگ غرب نظیر هنر، ادبیات و حقوق بروز یافته است. هنر قرون وسطی، بر بعد معنوی و آسمانی انسان تأکید می‌کرد و نقاشان، چهره انسان‌های اسوه را در هاله‌ای از قداست ترسیم می‌کردند اما هنر مدرن، بر بعد جسمانی و زیبایی‌های بدنی تمرکز می‌کند. چه تفاوتی در هنر قرون وسطی و هنر مدرن وجود دارد؟



■ هنر قرون وسطی بر بعد معنوی وجود انسان تأکید داشت اما هنر مدرن به بعد جسمانی وجود انسان توجه دارد.

بخوانیم و بدانیم

به چه دلیل رمان در فرهنگ غرب، بیشترین اهمیت را پیدا کرده است؟ ادبیات مدرن به سلوک‌های معنوی و مکاشفات و مشاهدات الهی انسان توجهی ندارد بلکه حالات روانی آدمیان در زندگی روزمره و این جهانی را منعکس می‌کند، به همین دلیل، رمان در فرهنگ غرب، بیشترین اهمیت را پیدا کرده است.

تفاوت حقوق انسان در فرهنگ دینی و حقوق بشر بر مبنای اومانیزتی را بنویسید
حقوق انسان در فرهنگ دینی، مبتنی بر فطرت الهی انسان است اما حقوق بشر بر مبنای اندیشه اومانیزتی، صرفاً براساس خواسته‌ها، عادت‌ها و تمایلات طبیعی آدمیان شکل می‌گیرد.

اگر در فرهنگ‌های دینی، افرادی هواهای نفسانی خود را دنبال کنند، آن را به صورت آشکار و رسمی اظهار نمی‌کنند، بلکه نفس پرستی خویش را در قالب مفاهیم دینی پنهان می‌کنند؛ مثلاً فرعون از خواسته‌های نفسانی خود تبعیت می‌کرد و از دیگران می‌خواست که از او پیروی کنند. اگر در فرهنگ‌های دینی، افرادی رفتارهای نفسانی خود را دنبال کنند، آن را چگونه اظهار می‌کنند؟ مثال بزنید

فرعون در توجیه رفتار و موقعیتی که داشت خود را چگونه معرفی می کرد؟



■ تصویر فرعون، نقاشی های دیواری مصر باستان

او ناگزیر بود خود را در زمره خدایان معرفی کند تا بتواند موقعیت و رفتار ظالمانه خود را توجیه نماید و می گفت: «أنا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى؛ من پروردگار برتر شما هستم.» ولی انسان مدرن خواسته های دنیوی و این جهانی خود را بدون آنکه نیازی به توجیه الهی و آسمانی داشته باشد به رسمیت می شناسد.

انسان مدرن، خواسته های دنیوی و این جهانی خود را چگونه به رسمیت می شناسد؟

بخوانیم و بدانیم

اعلامیه حقوق بشر چون بر اساس احترام به انسانیت، آزادی و مساوات تنظیم شده و برای احیای حقوق بشر به وجود آمده، مورد احترام و تکریم هر انسان با وجدانی است. در دین اسلام انسان، حقوق انسان، آزادی و مساوات نهایت ارزش و احترام را دارد. اما این اعلامیه یک متن فلسفی است و به دست بشر نوشته شده است به همین دلیل، هر فیلسوفی حق دارد آن را تجزیه و تحلیل کند و ضعف هایی را که در آن می بیند تذکر دهد. از نظر این اعلامیه، انسان به واسطه کرامت و شرافت مخصوص به خود، حقوق و آزادی هایی دارد که سایر جانداران به دلیل نداشتن آن شرافت و کرامت ذاتی، از آن حقوق و آزادی ها بی بهره اند. نقطه قوت این اعلامیه همین است.

حالا باید پرسیم آن حیثیت ذاتی انسانی که منشأ حقوقی برای انسان شده و او را از اسب، گاو، گوسفند و کبوتر متمایز ساخته است، چیست و همین جاست که یک تناقض واضح میان اساس اعلامیه حقوق بشر از یک طرف و انسان شناسی غرب از طرف دیگر نمایان می شود. در فلسفه غرب سال ها است که انسان از ارزش و اعتبار افتاده است. سخنانی که در گذشته درباره انسان و مقام ممتاز وی گفته می شد و ریشه همه آنها در مشرق زمین بود، امروز در اغلب فلسفه های غربی مورد تمسخر و تحقیر قرار می گیرد. انسان از نظر غرب تا حدود یک ماشین تنزل کرده و روح و اصالت او انکار شده است. اعتقاد به علت غایی و هدف داشتن طبیعت، یک عقیده ارتجاعی تلقی می گردد. در غرب از اشرف مخلوقات بودن انسان نمی توان دم زد. از نظر غرب اینها خودخواهی هایی بوده که در گذشته دامن گیر بشر شده است. بشر امروز خود را مانند موجودات دیگر بیش از مشتی خاک نمی داند.

اگر قرار است معتقد باشیم که طبیعت جریانات خود را کور کورانه طی می کند، اگر قرار است اعتقاد به روح و اصالت آن، اغراق درباره خود باشد، اگر قرار است انگیزه و محرک اصلی بشر در همه کارها، امور اقتصادی یا جنسی یا برتری طلبی باشد، اگر قرار است نیک و بد به طور کلی مفاهیم

نسبی باشند و الهامات فطری و وجدانی سخن یاوه شمرده شود، اگر انسان بنده شهوات و میل‌های نفسانی خود باشد و جز در برابر زور سر تسلیم خم نکند و اگر... چگونه می‌توانیم از حیثیت و شرافت انسانی و حقوق غیر قابل سلب و شخصیت قابل احترام انسان دم بزنیم و آن را اساس و پایه همه فعالیت‌های خود قرار دهیم؟! (استاد شهید مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام)

مقایسه کنید

تفاوت حقوق بشر را در دو فرهنگ دینی و سکولار بیان کنید.

روشنگری و علوم جدید

از **روشنگری** به عنوان **مهم‌ترین** ویژگی **معرفت‌شناختی** فرهنگ معاصر غرب یاد شده است. منظور از روشنگری چیست؟ روشنگری چه تأثیری بر علم در جهان متجدد گذاشته است؟

روشنگری یعنی چه؟

روشنگری راه شناخت حقیقت و موانع شناخت آن را معرفی می‌کند. **روشنگری در معنای عام را توضیح دهید** (روشنگری در معنای عام، پدیده‌ای مدرن و مربوط به فرهنگ معاصر غرب نیست. انبیای الهی از دیرباز برای روشنگری و از بین بردن موانعی آمده‌اند که راه را بر حقیقت بسته‌اند. در فرهنگ دینی اسلام، عقل، وحی و تجربه روش‌های شناخت حقیقت‌اند. در فرهنگ دینی اسلام، روش‌های شناخت حقیقت کدامند؟ روشنگری در این معنا، اگر با هستی‌شناسی و انسان‌شناسی دینی همراه باشد، با استفاده از وحی، عقل و تجربه، تفسیری دینی از انسان و جهان ارائه می‌دهد) **منظور از روشنگری در معنای خاص چیست؟** (روشنگری در معنای خاص، به مبنای معرفت‌شناسی پذیرفته شده در فرهنگ غرب گفته می‌شود و روشی از معرفت و شناخت است که با سکولاریسم و اومانیزم همراه شده است. این روش در طول بیش از چهارصد سال فرهنگ جدید غرب، شکل‌های مختلفی پیدا کرده است که وجه مشترک همه آنها کنار گذاشتن وحی و شهود در شناخت حقیقت است.) **وجه مشترک همه ی صورت‌های روشنگری، در فرهنگ مدرن غرب چیست؟**

شهود یعنی راه دل

چرا علم تجربی، توان دآوری در باره ارزش ها و آرمان های انسانی را ندارد؟ زیرا این پدیده ها حسی نیستند

روشنگری در سده های هفدهم و هجدهم چه شکلی داشت؟ در چه صورت، روشنگری به دئیسم منجر می شود؟

روشنگری در سده های هفدهم و هجدهم میلادی، بیشتر شکلی عقل گرایانه داشت. روشنگری با رویکرد دنیوی، اگر با شناخت عقلی همراه باشد، به دلیل اینکه وحی را نمی پذیرد به دئیسم

منجر می شود. دئیسم یعنی اعتقاد به خدایی که هیچ برنامه ای برای هدایت و سعادت بشر ندارد. دئیسم یعنی چه؟ روشنگری در سده های نوزدهم و بیستم چه شکلی داشت؟ علم تجربی سکولار چه ویژگی هایی دارد؟

روشنگری در سده های نوزدهم و بیستم، بیشتر شکل حس گرایانه پیدا کرد. وقتی روشنگری به شناخت حسی و تجربی محدود شود، نوعی علم تجربی سکولار پدید می آورد. این علم، توان دآوری درباره ارزش ها و آرمان های انسانی را ندارد (زیرا این پدیده ها حسی نیستند) و صرفاً به صورت دانش ابزاری^۱، در خدمت اهداف دنیوی انسان قرار می گیرد.

از چه زمانی فرهنگ غرب گرفتار بحران معرفت شناختی شده است؟ از پایان قرن بیستم با افول حس گرایی، فرهنگ غرب گرفتار بحران معرفت شناختی شده است. در بحران معرفت شناختی امکان تشخیص درست یا غلط بودن باورها و اندیشه ها و خوب یا بد بودن هنجارها و رفتارها از بشر سلب می شود. منظور از بحران معرفت شناختی چیست؟

بخوانیم و بدانیم

در جهان هستی موجودات و پدیده های مختلفی وجود دارد که هر کدام با روش های مناسب خود شناخته می شوند. انسان امور محسوس مانند پدیده های طبیعی را از راه مشاهده و حس (دیدن، شنیدن، لمس کردن و...) می شناسد، اما امور غیرطبیعی، محسوس نیستند و نمی توان آنها را به کمک حواس شناسایی کرد. از این رو قوانین علمی، قضایای ریاضی و قوانین فلسفی را به کمک عقل و از راه استدلال عقلی می شناسیم. انسان علاوه بر شناخت حسی و شناخت عقلی از شناخت شهودی نیز بهره می برد. شناخت شهودی از راه مشاهده حسی و استدلال عقلی به دست نمی آید؛ مثلاً ما بدون مشاهده و استدلال، به غم و شادی درون خود یا محبت و تنفر نسبت به دیگران پی می بریم. شناخت شهودی، انواع و مراتبی دارد. وحی نوع خاصی از شناخت شهودی است که خداوند برای هدایت آدمیان به پیامبران اعطا کرده است. وحی الهی انسان را به استفاده از عقل فرا می خواند و به حس نیز به عنوان یکی از ابزارهای شناخت توجه می کند.

حس، عقل و وحی امکانات خدادادی هستند که بشر برای شناخت جهان هستی از آنها استفاده می کند. برخی فرهنگ ها مانع شکوفایی این امکانات می شوند.

امور طبیعی = امور محسوس ← از راه مشاهده و حس می شناسیم

امور غیرطبیعی = امور غیر محسوس ← شناخت عقلی ← مثال: قوانین ریاضی و قوانین فلسفی

شناخت شهودی ← احساس غم و شادی در درون هر فرد
وحی

۱- دانشی که صرفاً وسیله رسیدن به اهداف دنیوی است و توانایی ارزیابی ارزش ها و اهداف انسانی را ندارد.

با توجه به آنچه گفته شد، ویژگی‌های روشنگری غرب و پیامدهای آن را در دوره‌های زمانی زیر مقایسه کنید.

مهم

روشنگری		
پیامد	ویژگی	دوره زمانی
دئیسم	عقل گرایی، نفی وحی	قرون هفدهم و هجدهم
دانش ابزاری	حس گرایی، نفی عقل و وحی	قرون نوزدهم و بیستم
بحران معرفتی	افول تجربه گرایی، نفی تجربه، نفی عقل و وحی	پایان قرن بیستم

فرهنگ توحیدی	فرهنگ معاصر غرب	عقاید و ارزش‌های بنیادین
معنوی - دینی	سکولاریسم	هستی‌شناختی
خدا محور	اومانیسم انسان محور	انسان‌شناختی
روشنگری در معنای عام	روشنگری در معنای خاص	معرفت‌شناختی



اپلیکیشن درسی همیار

برنامه رایگان درسی همیار



تمام پایه ها

جواب کتاب ، تدریس و نمونه سوال



همیشه رایگان

برنامه همیار کاملا رایگان میباشد